عکس: خبرنگار ایرانی/رویترز

مجید خراط‌ها، آسیب‌شناس و جرم‌شناس در گفت‌وگو با «شهروند»:

افزایش مجازات‌ها، تنها شکل جرایم را تغییر می‌دهد

طرح نو| راضیه زرگری| جرم‌گرایی و علل و آسیب‌هایی که به‌واسطه آن، جرایم در جامعه گسترش می‌یابند، یکی از معضلاتی است که جامعه امروز ما با آن دست به گریبان است. مجازات‌های سنگین و اعمال قانون جدی تر در برخورد با مجرمان اجتماعی یکی از راه‌هایی است که گفته می‌شود می‌تواند عامل بازدارندگی از تکرار جرایم را داشته باشد. اما آیا در جامعه ما احکام قضایی سنگین مثل اعدام و حبس ابد و زندان‌های چندین ساله توانسته مجرمان را به راه راست هدایت کند؟ مجید خراط‌ها، جرم‌شناس و آسیب‌شناس معتقد است مجازات‌های ما اثر بازدارندگی نداشته‌اند و فقط مجرمان را به سمت جرایم دیگر سوق داده است؛ مثلا وقتی زورگیران می‌بینند در صورت دستگیر شدن اعدام خواهند شد، متنبه نمی‌شوند که دیگر سراغ کار خلاف نروند بلکه مدل جرم آنها تغییر می‌کند و مثلا به جای زورگیری به کیف‌قاپی یا سرقت خودرو روی می‌آورند. مشروح گفت‌وگوی «شهروند» با این آسیب‌شناس را در ادامه می‌خوانید:

•جرایم با چه سرعتی در کشور ما کشف می‌شوند؟ آیا سرعت شناسایی مجرمان قابل قبول است؟

سرعت دستگیر شدن مجرمان در جرایم مختلف متفاوت است. در برخی از جرایم و آسیب‌ها با رقم سیاه جرم مواجه هستیم. یعنی بعضی از جرایم هستند که اساسا برایشان پرونده‌ای تشکیل نمی‌شود مثل جرایم جنسی، کودک آزاری، سالمند آزاری و خیلی از موارد پنهان دیگر که اصلا شکایتی به‌واسطه جرم صورت نمی‌گیرد که منجر به تشکیل پرونده قضایی شود. گروه دیگری از جرایم هستند که مجرم دستگیر می‌شود با این حال باز هم رقم سیاه داریم. به عبارت دیگر تعدادی از جرایم گزارش می‌شود ولی باز هم رقم زیادی از این موارد گزارش نمی‌شوند. در این گروه جرایم می‌توان به درگیری‌های خانوادگی یا سرقت وسایل خانه توسط یکی از اعضای خانواده که معتاد است اشاره کرد که در بسیاری از موارد شکایتی صورت نمی‌گیرد و خانواده‌ها سعی می‌کنند موضوع را میان خودشان حل‌وفصل کنند. برخی جرایم مشهود هستند و پلیس با آنها برخورد می‌کند مثل ولگردی، جیب‌بری، دزدی، تعرض به مال و جان افراد که پلیس در صورت مشاهده یا گزارش چنین مواردی وارد عمل می‌شود و مجرمان را دستگیر می‌کند. جرایم دیگری هم هستند مانند قتل‌ها، زورگیری‌ها و سرقت‌های مسلحانه و آدم‌ربایی که افراد با برنامه‌ریزی قبلی دست به ارتکاب جرم می‌زنند و شواهد را از بین می‌برند. بنابراین بسته به نوع جرم و چگونگی وقوع آن، زمان کشف و شناسایی مجرم متفاوت است. در حال حاضر با توجه به پیشرفت‌هایی که در سیستم پلیس و نیروی انتظامی رخ داده، رفته‌رفته آمارها در مورد زمان شناسایی جرایم بهتر می‌شود و فاصله میان وقوع جرم و دستگیری مجرم کمتر شده اما هنوز به وضع مطلوب نرسیده‌ایم و نمی‌توان گفت این وضع قابل قبول است. چون همان‌طور که می‌بینیم در حوزه جرایم اجتماعی مثل کودک آزاری وقتی میزان این جرایم زیاد می‌شود مورد پیگیری پلیس قرار می‌گیرد یا قتل‌های زنجیره‌ای و اسیدپاشی که مجرمان بعد از مدت زمان نسبتا زیادی دستگیر می‌شوند. یکی از مهم‌ترین مواردی که عملکرد پلیس در آن خوب نبوده مبارزه با مواد مخدر است. پلیس مبارزه با مواد مخدر نتوانسته در کاهش تولید و توزیع مواد، خوب عمل کند و هنوز هم می‌بینیم که روز به روز آمار تولید، قاچاق، توزیع و نگهداری این مواد افیونی بالا می‌رود.

•به نظر شما آیا مجازات‌هایی که برای جرایم مختلف در نظر گرفته و اعمال می‌شود، توانسته در کاهش آمار وقوع جرم موثر باشد یا به عبارتی اثر بازدارندگی داشته باشد؟

مجازات‌ها تنها یکی از راه‌های کنترل جرم است و افزایش مجازات‌ها یکی از روش‌های کاهش آمار وقوع جرم محسوب می‌شود ولی این که چقدر موثر است نمی‌توان به یقین در مورد آن صحبت کرد. چراکه تبهکاری که یک بار برای یک جرم مجازات شده است، ممکن است دیگر سراغ آن جرم نرود ولی آیا این آدم سالم‌می‌شود و به اجتماع بازمی‌گردد؟ قطعانه واقعیت این است که مجازات‌های ما اثر بازدارندگی نداشته‌اند و فقط مجرمان را به سمت جرایم دیگر سوق داده است. مثلا وقتی زورگیران می‌بینند در صورت دستگیر شدن اعدام خواهند شد، متنبه نمی‌شوند که دیگر سراغ کار خلاف نروند بلکه مدل جرم آنها تغییر می‌کند و مثلا به جای زورگیری به کیف‌قاپی یا سرقت خودرو روی می‌آورند. پس وقتی مجرمان با مجازات‌های سنگین‌تر مواجه می‌شوند، به جامعه برنمی‌گردند که شاغل شوند و هزینه‌های زندگی‌شان تأمین نمی‌شود و بنابراین چاره‌ای ندارند جز این که به سراغ جرایم دیگر بروند. می‌خواهم بگویم تنها شکل جرم تغییر می‌کند و آمار کلی جرایم پایین نمی‌آید. این روند به نوعی نامولق بودن افزایش جرایم را نشان می‌دهد. اعدام مجازاتی است که برای سوداگران مرگ- فروشندگان مواد مخدر- اعمال می‌شود ولی مسأله این است که اعدام یا حبس ابد چقدر توانسته از آمار کلی جرم‌های مواد مخدری بکاهد یا در مورد اشرار، آیا گردانندن اراذل و اوباش و اشرار در خیابان‌ها در انظار عموم توانسته در آمار کلی این مجرمان تاثیر گذار باشد؟

•بسته به نوع جرم و چگونگی وقوع آن، زمان کشف و شناسایی مجرم متفاوت است. در حال حاضر با توجه به پیشرفت‌هایی که در سیستم پلیس و نیروی انتظامی رخ داده، رفته‌رفته آمارها در مورد زمان شناسایی جرایم بهتر می‌شود و فاصله میان وقوع جرم و دستگیری مجرم کمتر شده اما هنوز به وضع مطلوب نرسیده‌ایم و نمی‌توان گفت این وضع قابل قبول است.

•مجازات‌ها تنها یکی از راه‌های کنترل جرم است و افزایش مجازات‌ها یکی از روش‌های کاهش آمار وقوع جرم محسوب می‌شود ولی این که چقدر موثر است نمی‌توان به یقین در مورد آن صحبت کرد. چراکه تبهکاری که یک بار برای یک جرم مجازات شده است، ممکن است دیگر سراغ آن جرم نرود ولی آیا این آدم سالم‌می‌شود و به اجتماع بازمی‌گردد؟

•ممکن است تعداد جرم در کشور ما زیاد نباشد یا ممکن است نسبت به وضع کشورهای همسایه که درگیری‌های گروه‌های شورشی و افراطی را دارند، از امنیت خوبی برخوردار باشیم. اما واقعیت این است که امنیت میان مردم کشور ما پایین است. این احساس ناامنی ریشه در تعلق اجتماعی و سرمایه اجتماعی افراد جامعه دارد.

•اگر بخواهیم در حوزه تخصصی شما یعنی آسیب‌شناسی جرایم صحبت کنیم، فکر می‌کنید ریشه جرایم اجتماعی را در کجا باید جست‌وجو کرد؟

جرایم اجتماعی ریشه در مسائل اجتماعی دارد. مسأله و معضلی که در زندگی یک فرد ایجاد می‌شود مثل بیکاری و ناتوانی در تأمین معاش یا تبعیض‌های اجتماعی مانند فاصله طبقاتی، فساد اداری، رشوه، پارتی‌بازی و ناشایسته‌سالاری که در جامعه امروز ما به وفور دیده می‌شود، به نوعی مدیریت جامعه را به خطر می‌اندازد و نهادهای اجتماعی نمی‌توانند وظایف خود را به خوبی انجام دهند. این است که درنهایت جامعه رها می‌شود و این موضوعات همه مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

•حالا مدت‌هاست که برخی ایران را به‌عنوان جامعه‌ای ناامن به لحاظ وقوع شمار زیادی از تبهکاری‌ها عنوان می‌کنند، به عقیده شما احساس امنیت امروز در جامعه ما چگونه است؟ آیا می‌توان گفت مردم احساس امنیت کامل می‌کنند؟

شاخص‌های ارتکاب جرم و سرانه جرم و پرونده‌های قضایی در احساس امنیت بسیار مهم است. ممکن است تعداد جرم در کشور ما زیاد نباشد یا ممکن است نسبت به وضع کشورهای همسایه که درگیری‌های گروه‌های شورشی و افراطی را دارند، از امنیت خوبی برخوردار باشیم، اما واقعیت این است که امنیت میان مردم کشور ما پایین است. این احساس ناامنی ریشه در تعلق اجتماعی و سرمایه اجتماعی افراد جامعه دارد. چند عامل محرک می‌تواند احساس ناامنی را تقویت کند. اولین عامل، همین درگیری‌ها در کشورهای همسایه ایران است که تا حد زیادی امنیت اجتماعی افراد را تحت‌تأثیر قرار داده و نمی‌توان گفت میان ما ایرانی‌ها بی‌تأثیر بوده است. عامل دیگر می‌تواند کش‌وقوس‌ها بر سر پرونده هسته‌ای ایران باشد که هر از گاهی صدای طبل جنگ را بلند و امنیت اقتصادی را تهدید می‌کند. این عوامل هر یک به نوعی احساس ناامنی را به مردم القا می‌کنند. مسائل داخلی نظیر جرم‌هایی مثل اسیدپاشی و زورگیری‌ها هم در این موضوع تاثیرگذار است. به علاوه تورم، بالا رفتن شدید قیمت‌ها بالا رفتن جرایم در ارتباط با مواد مخدر، شیوع مواد مخدر جدید مثل قرص‌های کاهش‌دهنده وزن و داروهای افزایش حافظه هم می‌تواند احساس هراس و ناامنی در جامعه را افزایش دهد و به گمان من اگر بخواهیم تحلیل درستی از وضع داشته باشیم باید روی مجموعه‌ای از این عوامل کار کنیم.

ادامه از صفحه ۹

امنیت و صحت تحقیقات برای پیشگیری از وقوع جرم

اشکال قضیه هم اتفاقا در همین جاست زیرا مقام قضایی اصول و کلیات را در یک یا چند مورد می‌نویسد و انجام آن را می‌خواهد. متاسفانه ضابطین دادگستری به‌صورت سیستماتیک عین سوالات مطرح شده را از متهم یا از مطلعان و شهود می‌پرسند و چون غالبا فاقد دانش قضایی هستند نمی‌توانند در همان موضوع و همان چارچوب سوال قاضی تحقیق، دستورات او را به نحوی که حداقل در حد «مابه‌الاکتفا» باشد انجام دهند. به همین جهت آن‌طوری که شخصا از بسیاری مراجع قضایی شنیده‌ام گزارش ضابطین قضایی چندان روشنگر نیست و بر همین اساس در ذیل ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری آمده است: «گزارش ضابطین در صورتی معتبر است که موثق بوده و مورد اعتماد قاضی باشد.» و همین موضوع، اعتبار این گزارش‌ها را معلق می‌کند.

وانگهی چون این افراد دارای تجربه و تخصص نیستند و گاهی در پایگاه‌های نیروی انتظامی این کار را درجه‌داران و سربازان وظیفه انجام می‌دهند اساسا رنگ‌وبوی تحقیقات معتبر قضایی را ندارد. با توجه به چنین وضعیتی که ضابطین قضایی دارند به‌رغم این که در دستگاه پلیس کشور تشکیلات خاصی به جرایم مختلف اختصاص داده شده، گاهی بی‌طرفی امر تحقیق، که باید در مقام تحقیق کننده باشد، مانند بعضی جاهای دیگر رعایت نمی‌شود و فرد تحقیق‌کننده خود به‌صورت مدعی در می‌آید. مقام تحقیق‌کننده چه ضابطین و چه قضات باید کاملا بی‌طرف باشند و این وظیفه را بدون حب، بغض و اعتقادات و دیدگاه‌های سیاسی و شخصی خود انجام دهند. تا وقتی دلیلی برای احضار یا جلب فردی موجود نباشد قاضی نمی‌تواند او را احضار یا جلب کند و در این صورت وقتی فرد را احضار یا جلب می‌کنیم نیازی نیست به این‌که فرد تحقیق‌کننده نلراحت شود و به امور دیگر مانند وادار کردن متهم به اقرار متوسل شود؛ زیرا در قانون این حق به متهم داده شده است که سکوت کند. در این صورت اگر دلیل احضار وجود داشته و اقدام قاضی مستند به ادله باشد نیازی نیست که مقام تحقیق متوسل به الزام، اجبار و بکارگیری روش‌های غیرمتعارف باشد. البته این به آن معنی نیست که ضابطین همیشه از روش‌های غیرمتعارف استفاده می‌کنند، ولی هر گونه اجبار و اکراه متهم به اقرار یا نوشتن و گفتن مطلبی، همه کارهای ضابطین را زیر سوال می‌برد.

> **ضابط قضایی نباید از یک مقام بی‌طرف و متخصص در امر تحقیقات به مقام اعتراف‌گیر تبدیل شود یا هنگامی که متهم سکوت می‌کند یا از بیان حقایق خودداری می‌کند، او باید با دانش قضایی خود با مطالعه پرونده و اطلاع از اسناد، دلایل و مدارکی که در پرونده وجود دارد متهم را به مسیر درست تحقیقات و پاسخ به سوالات برگرداند و درنهایت هم با چنین مدارکی گزارش خود را به قاضی تحقیق بدهد**

ضابط قضایی نباید از یک مقام بی‌طرف و متخصص در امر تحقیقات، به مقام اعتراف‌گیر تبدیل شود یا هنگامی که متهم سکوت می‌کند یا از بیان حقایق خودداری می‌کند، او باید با دانش قضایی خود با مطالعه پرونده و اطلاع از اسناد، دلایل و مدارکی که در پرونده وجود دارد متهم را به مسیر درست تحقیقات و پاسخ به سوالات برگرداند و درنهایت هم با چنین مدارکی گزارش خود را به قاضی تحقیق بدهد. متاسفانه گاهی مقام تحقیق‌کننده خود چنان مدعی می‌شود و در برابر متهم قرار می‌گیرد که جای شاکی (در جرایم عمومی) قرار می‌گیرد و این جاست که برخلاف آن چه گفته شده است که نباید هنگام عصبانیت و ناراحتی، قضاوت و تحقیق کرد، ضابط تحقیق‌کننده ممکن است از حالت اعتدال خارج شده و با کلام و گفتار ناهنجار یا رفتار و کردار ناسازگار با شأن و بی‌طرفی خود، دست به اعمالی بزند که نتیجه آن چون کهربزک یا بازداشتگاه پلیس فتا و موارد دیگر باشد.

علاوه بر این، چنین اعمالی نه‌تنها اعتبار تحقیقات را از بین می‌برد بلکه متهمانی را که در این حالات قرار می‌گیرند و با آنان رفتار ناشایست می‌شود - حتی اگر مرتکب جرمی شده باشند و برای آن هم دلیل کافی وجود داشته باشد- در موضع مدعی و طلبکار قرار می‌دهد. هدف مبارزه با جرم، پاکسازی جامعه و ایجاد محیط امن است؛ البته با ناامن کردن جنبه‌های تحقیق و بازجویی نمی‌توان چنین ادعایی را مطرح کرد زیرا با کلید زنگ‌زده نمی‌توان قفلی را باز کرد.

برای اجتناب از این حالت تنها آموزش افراد که اولین ضرورت است، کافی نیست بلکه علاوه‌بر آموزش باید نظارت مستمر بر رفتار و کردار بازجویان صورت گیرد و برای این کار اولا همان‌طور که در بندهای مختلف قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی آمده است، نباید از متهم به‌صورت چشم‌بسته یا در شرایط ناهنجار مانند شب هنگام بازجویی کرد یا او را بیدار نگه داشت. علاوه‌بر همه اینها بهترین راه برای این که مسیر تحقیقات در شرایط مناسب قرار گیرد این است که از متهم با حضور وکیل مدافع او تحقیق شود و همان‌طور که در اصل ۳۵ قانون اساسی هم آمده است اگر متهم نتوانست وکیل انتخاب کند برای او وکیل انتخاب شود. زیرا اگر هدف تحقیقات اخذ اقرار از متهم باشد طبق ماده ۱۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری، اقرار به تنهایی نمی‌تواند دلیل جرم باشد زیرا اقرار متهم زمانی دلالت بر ارتکاب جرم توسط وی می‌کند که آن اقرار بدون تردید بوده و در تعارض با ادله دیگر قرار نگیرد و الا آن‌طور که در این ماده و ماده ۱۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری آمده است، متهم حق سکوت دارد و وادار کردن او به اقرار نه‌تنها ارزش آن اقرار را از بین می‌برد بلکه اساسا نمی‌تواند عنوان دلیل پیدا کند.

سومین امری که باید برای سالم‌سازی محیط اقرار و اعتبار آن فراهم آید اجتناب از صدور قرار بازداشت جز در موارد استثنای در مواد ۳۵ و ۳۲ قانون آیین‌دادرسی کیفری و رعایت بند «ه» ماده ۳۲ است. در این مواد اولا صدور قرار بازداشت محدود است و ثانیا در این موارد محدود هم برای صدور آن شرایط خاصی پیش‌بینی شده که اگر این شرایط رعایت نشود و اقراری اخذ شود، آن اقرار فاسد است. لذا مسئولان تحقیق در صورتی می‌توانند بگویند وظیفه قانونی خود را انجام داده و در جهت کشف جرم به قاضی یاری رسانده‌اند که اقدامات آنان دقیقا منطبق با قانون باشد والا متهمان با انکار بعدی و توسل به این عبارت که «اقرار در شرایطی خاص!» گرفته شده که اگر هر کسی دیگر در آن شرایط قرار می‌گرفت اقرار می‌کرد نه‌تنها اقدام مقام تحقیق‌کننده را زیر سوال می‌برند بلکه خود به عامل ضد خود تبدیل شده و به دستاویزی برای تبلیغ علیه کل دستگاه قضایی و مراجع تحقیق‌کننده تبدیل می‌شوند.

عکس: محمدعلی‌علی‌پرزاد

گزارش‌نامه

جرایم متفاوت، انگیزه‌های متمایز

به‌نظر می‌رسد با تقسیم‌بندی‌ای که برای جرایم قایل شدیم، به تناسب کیفیت هر یک از این جرایم، انگیزه‌های مجرمان می‌تواند متفاوت باشد. در بحث جرایم علیه اموال، معمولا مهم‌ترین انگیزه‌ای که وجود دارد، کسب مال است و ایجاد ضرر مالی به افراد مالباخته. اعم از کلاهبرداری، اختلاس، سرقت و مواردی از این دست. باز می‌توان در مورد این انگیزه کسب مال، تمیزهای روانشناختی و جامعه‌شناختی قایل شد؛ مثل داشتن بدهی، طمع، اقناع تجمل‌گرایی و موارد دیگری که شرح آنها در این مجال نمی‌گنجد. اما اگر پشتوانه انگیزه‌ای این افراد را درنظر نگیریم، می‌توان گفت که انگیزه مستقیم این افراد، کسب مال است.

در جرایم علیه اشخاص، مجددا می‌توان انگیزه‌های متفاوتی را متصور شد. شاید مهم‌ترین یا یکی از مهم‌ترین این انگیزه‌ها، انتقام شخصی باشد؛ که در بعضی از جرایم خاص، تبلور بیشتری دارد.

مواردی مثل نزاع‌ها، درگیری‌ها و همسرکشی ذیل این دسته به شمار می‌روند که تبلور انتقام است. گاهی انتقام از فرد مقتول یا مصدوم است. گاهی انتقام از جامعه است؛ و گاهی انتقام از فرد سومی است که اعتبار فرد مجرم را مورد هجمه قرار داده یا پیشتر کاری کرده که برخلاف اعتقادات، عرف و باورهای فرد مجرم بوده است. همه اینها می‌توانند انگیزه‌هایی را سبب شوند که در جرایم علیه اشخاص به کار می‌روند.

در جرایم علیه امنیت، می‌توان تقسیم‌بندی بسیار کلی انجام داد. چراکه هنوز جرم سیاسی تعریف نشده است. لذا نمی‌توانیم ضابطه کاملا مشخصی در این باب ارایه دهیم. در این نوع از جرایم، یعنی علیه امنیت، بخشی کمک به دشمنان کشور است که تقریبا انگیزه افراد مجرم در این زمینه روشن است. این انگیزه می‌تواند مسائل مالی و رسیدن به پول و مال باشد؛ یا چیزی که مصداق به‌دست آوردن مال باشد، مثل گرفتن تابعیت از یک کشور خاص، یا رسیدن به مقام و منصب خاصی در خارج از کشور، یا حتی در داخل کشور؛ با این تشویق و تهییج که اگر براندازی صورت بگیرد، تو می‌توانی پست نخست‌وزیری یا ریاست‌جمهوری در آن کشور را داشته باشی.

به هر ترتیب، انگیزه این افراد نیز کسب منافع و مطامع دنیوی است که می‌تواند مالی یا غیرمالی باشد. بعضا پیش می‌آید که در جرایم سیاسی، انگیزه فرد، انگیزه‌ای شخصی نباشد بلکه انگیزه‌ای است که می‌تواند جنبه اجتماعی به خود بگیرد. یعنی به نوعی برای آزادی، استقلال، دموکراسی یا هر چیزی که جنبه فردی ندارد و به‌نظر فرد مجرم، باید برای به‌دست آوردنش چنین فعالیتی کرد، مرتکب جرم می‌شود. در چنین جرایمی، در بعضی از کشورها، امتیازات و تخفیف‌هایی برای فرد مجرم قایل می‌شوند چراکه می‌گویند انگیزه آن فرد، شخصی و برای رسیدن به ثروت، مال یا جایگاهی نبوده و از مطامع شخصی خود گذر کرده است.